

دکتر رابرت ای. پترسون، کلیسا و آخرالزمان جلسه ۱۶، نشانه‌های زمان، نمایش داوری مکاشفه ۲۰: ۴-۶، حکومت، بازگشت به بالا، رستاخیز ناهزاره‌گرایی، پشاهزاره‌گرایی، و پیشاهزاره‌گرایی و دیسپنسیشنالیسم

رابرت پترسون و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

من دکتر رابرت ای. پترسون هستم در تدریسش در مورد آموزه‌های کلیسا و آخرالزمان. این جلسه ۱۶ است، نشانه‌های زمان، نمایش داوری. مکاشفه ۲۰: ۴-۶، حکومت، بازگشت به بالا، رستاخیز، داوری آخر، سرنوشت‌های ابدی، ناهزاره‌گرایی، پشاهزاره‌گرایی، پیشاهزاره‌گرایی و دیسپنسیشنالیسم.

ما به مطالعه‌ی خود در مورد آموزه‌ی آخرالزمان، یعنی نشانه‌های آخرالزمان، ادامه می‌دهیم. نشانه‌هایی که نشان دهنده‌ی لطف خدا هستند، نشانه‌هایی که نشان دهنده‌ی مخالفت با خدا هستند، نشانه‌هایی که نشان دهنده‌ی داوری الهی هستند، چه جنگ‌ها و چه پدیده‌های طبیعی را بررسی کردیم. به سرعت و به طور خلاصه به این موضوع خواهیم پرداخت.

هر دو در متی ۲۴، آیات ۶-۷ آمده است. شما از جنگ‌ها و شایعات جنگ‌ها خواهید شنید. مراقب باشید که مضطرب نشوید.

این باید اتفاق بیفتد، اما پایان هنوز فرا نرسیده است. این متن کتاب مقدس است، همان زبان. زیرا ملتی علیه ملتی و پادشاهی علیه پادشاهی قیام خواهد کرد.

جنگ‌ها نشانه‌ای از زمان هستند. شما می‌گویید جنگ‌ها همیشه در جریان هستند. درست است.

نشانه‌ها از همین الان شروع شده‌اند. آیا ممکن است در آستانه‌ی ظهور مجدد، جنگ‌ها تشدید شوند؟ امیدوارم که نه، اما الهیات من می‌گوید بله. وای.

همین امر در مورد آنچه ما پدیده‌های طبیعی می‌نامیم نیز صادق است. قحطی‌ها و زلزله‌هایی در جاهای مختلف رخ خواهد داد. همه اینها تنها آغاز دردهای زایمان هستند.

خب، اگر عیسی این نشانه‌ها را به عنوان آغاز دردهای زایمان توصیف می‌کند، پس زایمان طولانی‌ای در پیش است. اما زلزله‌ها و قحطی‌ها، باز هم، از ویژگی‌های کل دوره بین ظهورها، پیش درآمد آمدن دوم هستند و احتمالاً این اتفاقات در آینده نزدیک تشدید خواهند شد، چیزی که نباید منتظرش بود. به موضوع اصلی دیگری می‌پردازیم و آن هزاره مکاشفه ۲۴ تا ۶ است. افراد خوب در این مورد دیدگاه‌های متفاوتی دارند.

تفسیرهای متناقض از یک متن واحد نمی‌توانند درست باشند. الهیات بیان می‌کند که تفسیر می‌تواند درست باشد، و اگر الهیات را از تفسیر متمایز کنیم، در این موارد مختلف درست است. اما من سعی ندارم مسائل را ساده کنم.

من می‌گویم که ما می‌توانیم از مواضع مختلف هزاره بیاموزیم و در عین حال، آنها را از هم متمایز کنیم. و اجازه دهید با خواندن مکاشفه ۲۱ تا ۶ شروع کنیم. و من فرشته‌ای را دیدم که از آسمان پایین می‌آمد و کلید چاه

بی‌انتها و زنجیری بزرگ را در دست داشت. و او اژدهایی، آن مار باستانی که همان ابلیس و شیطان است، را گرفت و او را برای هزار سال در بند کرد.

این به بند کشیدن شیطان گفته می‌شود. این یکی از ویژگی‌هایی است که هر دیدگاه هزاره‌گرا باید در نظر بگیرد. و او را به چاه انداخت، در آن را بست و آن را بر او مهر و موم کرد.

این مهم است. برای اینکه او دیگر ملت‌ها را فریب ندهد، دلیل صریح الزام‌آور بودن همین است.

تا زمانی که هزار سال به پایان برسد. پس از آن، او باید برای مدت کوتاهی آزاد شود. سپس تخت‌هایی دیدم و بر آنها کسانی نشسته بودند که اختیار داوری به آنها سپرده شده بود.

همچنین، من ارواح کسانی را دیدم که به خاطر شهادت عیسی و کلام خدا سر بریده شده بودند. و کسانی که حیوان وحشی یا مجسمه‌اش را پرستش نکرده بودند و نشان او را بر پیشانی یا دست خود نپذیرفته بودند. آنها زنده شدند و هزار سال با مسیح سلطنت کردند.

بقیه مردگان تا پایان هزار سال زنده نشدند. این رستاخیز اول است. مبارک و مقدس است کسی که در رستاخیز اول سهیم است.

بر چنین مرگ دومی قدرتی نیست. اما آنها کاهنان خدا و مسیح خواهند بود و هزار سال با او سلطنت خواهند کرد. من قصد دارم دیدگاه‌های مختلف را از هم متمایز کنم.

قبلاً گفته‌ام که تفسیر متناقض از یک متن، از هر متنی، از هر چیزی، نمی‌تواند درست باشد. از آنجا که قانون باشد A و هم منفی A عدم تناقض اعمال می‌شود، چیزی نمی‌تواند همزمان و به یک شکل هم

غیرمنطقی است. غیرعقلانی است. با این وجود، اگر اینها را به عنوان شفافیت داشتم و می‌توانستم آنها را روی یکدیگر قرار دهم، هر چهار دیدگاه، ناهزاره‌گرایی، پشاهزاره‌گرایی، پیشاهزاره‌گرایی و پیشاهزاره‌گرایی. تدبیری، مطمئناً پیچیده هستند، شفافیت‌ها، پوشش‌ها، چهار رویداد مشترک خواهند داشت.

همسر، مری پت، واقعاً عاشق کلمات اختصاری است. آنها مورد علاقه من نیستند، اما به افتخار همسر خوبم، یک کلمه اختصاری دارم. قانون، برای این چهار رویداد اساسی که همه مسیحیان معتقد به کتاب مقدس از قرن اول تا بیست و یکم بر سر آنها توافق داشته‌اند، و همه مواضع هزاره جدید بر سر آنها توافق دارند، ایده اصلی من این است که آنها از همه مهم‌تر هستند.

ما باید آنها را آموزش دهیم، موعظه کنیم، به آنها ایمان داشته باشیم، تبلیغ کنیم، روی آنها بایستیم و در مورد سایر مسائل، حتی از جمله پادشاهی هزار ساله مکاشفه 20، دیدگاه‌هایی داشته باشیم، اما اهمیت آن بالا، U، بازگشت مسیح یا آمدن دوم R، دیدگاه‌های ثانویه را نسبت به دیدگاه‌های اصلی پایین‌تر قرار دهیم.

پشت سر هم داشته باشیم، کار R اصلاً این یعنی چی؟ من باید به مخفف بسازم، و آگه بگم، اه، رستاخیز، دو تا بالا، مخفف رستاخیز مردگانه. بازگشت مسیح، بالا، رستاخیز مردگان، RU، نمی‌کنه. بنابراین

سرنوشت‌های ابدی. حکومت، ل، داوری نهایی. ای.

خداوند پیروز خواهد شد. او حکومت خواهد کرد. ما خواهیم دید که در سرنوشت‌های ابدی، خداوند پیروز خواهد شد.

این گفته‌ی سختی است، اما خداوند در سرنوشت هر انسانی، چه گمشده و چه نجات‌یافته، جلال می‌یابد. در مورد داوری نهایی بیشتر توضیح می‌دهیم، اما فعلاً این چهار حقیقت مورد قبول همه مؤمنان است، از جمله کسانی که دیدگاه‌های آخرالزمانی متمایزی نسبت به هزاره دارند که فعلاً به آن خواهیم پرداخت.

. بازگشت مسیح، از اصول ایمان مسیحی است، R

بلند شو. خدا قرار است همه مردگان را زنده کند. مسیحیان در مورد تعداد رستاختیزها اختلاف نظر دارند، اما او قرار است مردگان را زنده کند.

ل، یک داوری نهایی برای زندگان و مردگان وجود دارد. مردگان زنده خواهند شد. آنها برای داوری نهایی زنده خواهند شد.

. ای، سرنوشت‌های ابدی. حکومت. بازگشت مسیح، قیام، رستاختیز

ل، داوری نهایی. ای، سرنوشت‌های ابدی. انسان‌ها توسط خدا آفریده شده‌اند تا برای همیشه زندگی کنند، یا به عنوان قوم او در زمین جدید، به عنوان انسان‌های رستاختیز یافته برای ابدیت، یا به عنوان گمشدگان در دریاچه آتش، در جهنم برای ابدیت.

قاعده. بسیار خوب، همه این دیدگاه‌ها این را قبول دارند، و با این حال، با هم اختلاف نظر دارند. من قصد دارم در مورد هر یک از این دیدگاه‌ها پنج سوال پرسم.

اول، ماهیت هزاره ذکر شده در مکاشفه ۴: ۲۰-۶ چیست؟ دوم، مقید کردن شیطان به چه چیزی اشاره دارد؟ سوم، زمان بازگشت مسیح در رابطه با هزاره چیست؟ چهارم، چگونه باید آمدن دوباره را تصور کنیم؟ آیا یک رویداد واحد است؟ آیا باید به دو جنبه تقسیم شود؟ رستاختیز. آیا یکی وجود دارد؟ آیا دو تا وجود دارد؟ آیا سه رستاختیز وجود دارد؟ یک بار دیگر.

. هزاره را توصیف کنید. دو، اسارت شیطان را توصیف کنید. سه، در مورد زمان بازگشت مسیح به من بگویید.

. چهارم، ظهور دوباره را شرح دهید. آیا یک رویداد واحد است یا به دو جنبه تقسیم می‌شود؟ می‌شود چهار پنجم، چند رستاختیز وجود دارد؟ یک، دو یا سه.

من قصد دارم پنج سوال را برای هر یک از چهار موضع آخرالزمانی مطرح کنم. بار دیگر، با تأکید بر توافق آنها، در مورد آمدن دوباره، رستاختیز، داوری نهایی و سرنوشت ابدی، تأکید من بر همین موارد است. و در خدمت این جایی است که من مطمئن، مطمئن و جزم‌اندیش هستم.

در مورد تمام جزئیات، من دیدگاه‌های خودم را دارم، اما به آن اندازه مطمئن نیستم، به آن اندازه مطمئن نیستم، و به آن اندازه متعصب نیستم. طبق نظر ناهزاره‌گرایی، اول از همه، این یک اسم بی‌مسما است زیرا به معنای واقعی کلمه، به معنای عدم وجود هزاره است. خب، عدم وجود هزاره از نوع پسا یا پیش از هزاره، اما به هزاره اعتقادی ندارد.

. به نظر می‌رسد که آمیل‌ها به کتاب مقدس اعتقاد ندارند. این درست نیست. این اصلاً درست نیست.

بنابراین، اگر این شما چنین معنایی دارد، آن را چیز دیگری بنامید. برخی آن را هزاره‌گرایی تحقیق‌یافته نامیده‌اند، زیرا عصر کلیسا را هزاره می‌داند. من می‌خواهم به عنوان نمونه‌هایی از هر یک از چهار دیدگاه، به بزرگان ایمان مسیحی اشاره کنم.

شما سعی دارید چه کار کنید؟ سعی می‌کنید نشان دهید که افراد خوب این دیدگاه‌ها را دارند. آنتونی هوکما یک آمیل است. لوئیس برکوف، که پس از الهیات سیستماتیک چارلز هاج، الهیات غالب بود، شاید محبوب‌ترین الهیات در محافل اصلاح‌طلبی در بقیه قرن بیستم.

دن دوریانی، استاد تاریخ کلیسا و الهیات. او می‌تواند تفسیر هم انجام دهد. او در مدرسه علمیه کاوننت در سنت لوئیس استعدادهای زیادی دارد.

هوکما، برخوف، دوریانی. ناهزاره‌گرایی چگونه هزاره را تعریف می‌کند؟ این سلطنت کنونی ارواح مؤمنان متوفی با مسیح در بهشت است. این نقل قولی از هوکما، صفحه ۱۷۴ است.

سلطنت کنونی ارواح مؤمنان مرده به همراه مسیح در آسمان. به عبارت دیگر، هزاره از وضعیت میانی در رابطه با قوم خدا سخن می‌گوید. آنها با مسیح سلطنت می‌کنند.

بر اساس ناهزاره‌گرایی، این یک پادشاهی زمینی آینده هزار ساله یا مدت زمان بسیار طولانی قبل از آسمان‌های جدید و زمین جدید نیست. نه، این روشی برای صحبت در مورد عصر کلیسا است. خب، هزار سال، خود ۲۰۰۰ سال است.

جی. الیور باسول جونپور، یک آسیابان، می‌گوید که بیشتر آسیاب‌ها این کار را نمی‌کنند، اما او می‌گوید هزار سال می‌تواند یک عدد گرد باشد، یک عدد نمادین از کتاب مکاشفه، که پر از ارقام نمادین است. بنابراین، من فکر نمی‌کنم که این مانع باشد. برخی این‌طور وانمود کرده‌اند که مانع است.

هزاره، سلطنت کنونی مؤمنان در حالت میانی با مسیح در آسمان است. مقید کردن شیطان دقیقاً همان چیزی است که مکاشفه ۲۲ می‌گوید. او نمی‌تواند در عصر حاضر، احتمالاً، مانند اعصار گذشته، از گسترش انجیل جلوگیری کند.

می‌گویی یک لحظه صبر کن - زنجیر شیطان، افسوس. فرشته زنجیر دارد.

او اژدها، مار باستانی، که همان ابلیس و شیطان است را دستگیر می‌کند. ضمناً، آیه ۹:۱۲ از مکاشفه بهترین تعریف از نام‌های شیران در کل کتاب مقدس است. فکر می‌کنم مکاشفه ۹:۱۲.

بهبتره به بررسی بکنم. از دادن اطلاعات غلط متنفرم. درسته.

در مکاشفه ۲۰، آیه دوم، او را می‌گیرند، می‌بندند و به چاه می‌اندازند. چاه روی او بسته و مهر می‌شود. کمی صبر کنید.

همه اینها درست است. به عبارت دیگر، او به طور جدی مقید است. اما در اینجا بند هدف وجود دارد، به طوری که او دیگر ملت‌ها را تا پایان هزار سال فریب ندهد.

در واقع، انجیل با در نظر گرفتن پیام عهد عتیق و همچنین مژده پادشاهی خدا، به شکلی بی‌سابقه در عصر کلیسا منتشر شده است. شما می‌گویید که من نمی‌توانم این را بپذیرم. ارزیابی شما از این چیزها به خودتان بستگی دارد.

وظیفه من این است که از دیدگاه طرفداران این دیدگاه‌ها، دیدگاه‌های آنها را به گونه‌ای که مورد تأیید آنها باشد، بیان کنم. و من مدت‌هاست که این کار را انجام داده‌ام. زمان بازگشت مسیح از هزاره، سلطنت مؤمنان با مسیح در بهشت است.

خب، پس مسیح بعد از هزاره می‌آید. این پسا-هزاره است، اما این را نگویند چون این یک دیدگاه کاملاً متفاوت است. هم آه و هم پسا-هزاره‌گرایی معتقدند که مسیح بعد از هزاره می‌آید.

بر اساس هزاره‌گرایی یا هزاره‌گرایی تحقق‌یافته، ظهور مجدد یک رویداد واحد است. در این رویداد، مؤمنان برکت می‌یابند و بدکاران داوری می‌شوند. اوه، بی‌خیال.

در اول تسالونیکیان ۴، بخش مربوط به ربوده شدن از ایمانداران صحبت می‌کند و اول تسالونیکیان ۵ درباره داوری کافران صحبت می‌کند. این کاملاً درست است، اما من می‌گویم که شما باید فقط از یک فصل به فصل دیگر بخوانید. تفرقه‌ها الهام گرفته شده‌اند و آمدنشان یکسان است.

هر دو، آمدن داوری، نفرین و برکت هستند، یا بهتر است بگویم برکت و نفرین تا ترتیب درست باشد رستاخیز یک رستاخیز عمومی است. آه، دو تا وجود دارد.

در مکاشفه ۲۰ دو رستاخیز وجود دارد. درست است، اما اگر قرار باشد دو رستاخیز وجود داشته باشد، اگر قرار باشد بفهمیم که خداوند مهربان تا سه فصل از پایان کتاب مقدس صبر می‌کند تا به ما بگوید که تا الان یک رستاخیز عمومی وجود داشته و این مورد توافق است. اشکالی ندارد.

این الهیات کتاب مقدس است. حال، خداوند آشکار می‌کند که آنچه به عنوان یک رویداد واحد در نظر گرفته می‌شد، در واقع دو بخش دارد. و ضمناً، همانطور که هنری آلفورد صد سال پیش نشان داد، یک حق بیمه، یک پیش آسیاب، آنها به زندگی بازگشتند و با مسیح سلطنت کردند.

در آیه چهارم، مکاشفه ۲۰، بقیه مردگان تا پایان هزار سال زنده نشدند. آیا منظورتان این است که به من بگویید همان زبانی که زنده شد، در فاصله دو آیه، دو معنای متفاوت دارد؟ این امکان وجود دارد.

همانطور که قبلاً دیدیم، یوحنا فصل ۵، آیات ۲۴ و ۲۵ از رستاخیز روحانی صحبت می‌کند. یوحنا ۵: ۲۸، درست پس از آن، چند آیه در این بین از رستاخیز جسمانی صحبت می‌کنند. چرا اینجا نمی‌تواند همان ۲۹، باشد؟ یعنی، رستاخیز اول، تجدید حیات قوم خداست.

و مورد دوم، رستاخیز واقعی اجساد از قبر است. من سعی می‌کنم بین آنچه که آن را علم مطلق آخرالزمانی می‌نامم - که الان کاملاً با آن موافقم - و لادری‌گری آخرالزمانی، تعادل برقرار کنم.

این من را آزار می‌دهد که برخی از برادران و خواهران اصلاح‌شده‌ام می‌گویند، اوه، ما نمی‌خواهیم این را مطالعه کنیم چون باعث ایجاد نمودارهای پیشگویی و کنفرانس‌های پیشگویی می‌شود و مؤمنان را از یکدیگر عصبانی می‌کند. خب، حدس بزنید چه؟ این بخش بزرگی از پیام کتاب مقدس است. این بحث برتری معنوی آخرالزمانی و لادری‌گری را به من تحمیل نکنید.

، شما بهتر از کتاب مقدس نمی‌دانید. شما بهتر از عیسی و حواریونش که در حال مطالعه‌ی وقایع آخر هستند، نمی‌دانید. پیام بزرگ مهم است.

قاعده بازگشت رستاخیز مسیح، آخرین داوری ابدی. این یک چیز بسیار مهم است. و این آخرین چیز است.

پس بی‌خیالش شوید، بزرگ باشید و با آخرین چیزها کنار بیایید. شاید از هر کاری که برادران و خواهرانتان انجام می‌دهند خوشتان نیاید، اما لطفاً یکدیگر را بپذیرید، همانطور که خدا در مسیح شما را پذیرفته است. رومیان ۱۵.

از طرف دیگر، از این همه چیزدانی آخرالزمانی بعضی‌ها حالم بهم می‌خورد. خدای من. دارم زیاده‌روی می‌کنم.

فکر می‌کنی انگشت کوچک پای چپ این جانور چیه؟ من اصلاً نمی‌دانم. به جورایی پادشاه حاکم یا، اوه، تو اینطور نیستی، من با تو رفاقت نمی‌کنم، برادر. اه، من در زمان خودم در شرق کلیساهایی داشتم.

من نمی‌توانستم، اجازه داشتم، اجازه نداشتم در این کلیساهای صحبت کنم چون نمی‌توانستم با خون امضا کنم. نمی‌توانستم آن را امضا کنم. من با جزئیات رבוته شدن توسط آنها موافق بودم.

خب، من نمی‌توانم در مورد جزئیات رבוته شدن با آنها موافق باشم. من هیچ طرفدار واقعی در آن دعوا ندارم، هیچ پشتوانه واقعی هم ندارم. و خدای من، آیا شما در مورد تعیین چنین مرزهایی جدی هستید؟ به هر حال، خدا آنها را حفظ کند.

من به آنها دست دوستی می‌دهم. امیدوارم آن را به من برگردانند. اما، بیایید به نمودار هزاره‌گرایی نگاهی بیندازیم.

، خط، حرکت تاریخ را نشان می‌دهد. صلیب، البته، مرگ مسیح است. شما رستاخیز او را در آنجا می‌بینید. خروج او، هزاره، پس از خروج او می‌آید.

این دیدگاه عصر کلیسا از منظر آسمان و قوم خدا با عیسی است. در واقع، هزاره ناهزاره، حالت میانی مؤمنانی است که با مسیح سلطنت می‌کنند. ناهزاره‌گرایی، دیدگاه یک مصیبت بزرگ را می‌پذیرد که هنوز به اوج خود نرسیده است.

این در دانیال ۱۲: ۱ و ۲ پیش‌بینی شده است. ما آن را در متی ۲۴ دیدیم. مسیح بازمی‌گردد.

او مؤمنان را در هوا ملاقات می‌کند، و سپس، مردگانی که زنده شدند و مؤمنان زنده به زمین بازمی‌گردند. صبر کنید، یک دقیقه صبر کنید. یک دقیقه صبر کنید.

اول تسالونیکیان ۴، مؤمنان رבוته می‌شوند. این کاملاً با آمدن دوم به زمین متفاوت است. خب، ممکن است خوب باشد.

مردم با هم اختلاف نظر دارند و من با تو سر این موضوع دعوا نمی‌کنم. این موضوع مانع از آن نمی‌شود که دست دوستی به تو ندهم و علاوه بر این، تو را به صرف غذا دعوت نکنم.

من هر کسی را که این را می‌شنود به صرف غذا در خانه‌ام دعوت نمی‌کنم، اما از نظر من، ابراز رفاقت دقیقاً همین است. من به نوعی با شما نان می‌خوردم، اما در اول تسالونیکیان چهارم، و این موضع ناهزاره‌ای بودن را ثابت نمی‌کند. اساساً، فکر نمی‌کنم بتوانید هیچ یک از این مواضع را ثابت کنید.

من دارم سعی می‌کنم درک متقابل و پایبندی متقابل و تأکید بر چهار حقیقت را ترویج دهم. آه، این هم از این. آه، حالا به عهد جدید یونانی‌ام نیاز دارم.

ببخشید. آه، این هم از آن. اول تسالونیکیان ۱۷:۴.

باشه، خوبه، خوبه، خوبه، خوبه، خوبه. به عنوان یه کلمه اینجا، اه، پس ما که زنده‌ایم، ما که باقی مونديم همراه با اونا توی ابرها ر بوده خواهیم شد تا همدیگه رو ملاقات کنیم. این حرف منه.

می‌خواهم خداوند را در هوا ملاقات کنم. و بنابراین، ما همیشه در اول تسالونیکیان با خداوند خواهیم بود تا ملاقات کنیم. حالا شما می‌گویید که این ر بوده شدن کلیسا است، کاملاً متفاوت از بازگشت به زمین.

شاید اینطور باشد، اما برای من جالب است که این کلمه در زمان‌های نزدیک به قرن اول میلادی استفاده می‌شده است، در آن بازه زمانی برای اشاره به مؤمنانی که از مرز یک نهاد سیاسی، یک ایالت به ایالت دیگر می‌رفتند تا از سلطنت استقبال کنند و پادشاه یا شاهزاده را به ایالت دیگر برگردانند. این با مفهوم ناهزاره‌ای یا مفهوم پساهزاره‌ای ملاقات با خداوند بسیار مطابقت دارد. بنابراین شاید شما فکر می‌کنید دو آمدن جداگانه وجود دارد زیرا این چیزی است که به شما آموخته‌اند.

و ممکن است درست باشد، اما تنها راه برای درک شواهد نیست. مسیح با مؤمنانی که در هوا زنده هستند ملاقات می‌کند و با آنها به زمین بازمی‌گردد. در واقع، رستاخیز اول، تجدید حیات است.

رستاخیز دوم، رستاخیز جسمانی صالحان و ناصالحان، از جمله مردگان کافر است. آخرین داوری وجود دارد و پس از آن زمین جدید و جهنم ابدی. این همان چیزی است که ما آن را سرنوشت‌های ابدی می‌نامیم.

برای اینکه این کار رو درست انجام بدم، باید برای سوالات وقت بذارم. متأسفم. متأسفم.

به دلیل ماهیت وحش نمی‌توانم. پساهزاره‌گرایی، همان پنج سوال. اول از همه، اجازه دهید از چند مسیحی برجسته بپرسم.

جک دیویس از مدرسه علمیه گوردون-کانول. جان جفرسون دیویس، جک دیویس. بی بی وارفیلد.

یک غول در ایمان وجود داشت. او یک پساهزاره‌گرا بود. جک کالینز، استاد مدرسه الهیات عهد عتیق و عهد

وقتی آنجا تدریس می‌کردم، خوشحال بودم که در هیئت علمی‌ام پیش‌دانشگاهی‌ها، پس‌دانشگاهی‌ها و کارآموزان داشتم. پیش‌دانشگاهی‌ها و کارآموزانی بودند که خیلی از من باهوش‌تر بودند. اوه، فکر می‌کنم دیدگاه غالب، کارآموز بود.

فکر می‌کنم احتمالاً درست است. اما بقیه‌ی بچه‌ها آنجا بودند، کاملاً مورد احترام و قدردانی. ما سر این موضوع دعوا نکردیم.

ما، من هرگز در نظرسنجی‌ها شرکت نکرده‌ام، اما می‌دانم که آنها بر چهار حقیقت تأکید داشتند زیرا آنها مؤمنان مسیحی بودند که به الهیات ارتدکس پایبند بودند و به بازگشت مسیح اعتقاد داشتند. آنها به رستاخیز مردگان، داوری نهایی اعتقاد داشتند. آنها به سرنوشت ابدی مؤمنان و کافران اعتقاد داشتند.

«کیت متیسون از انجمن لیگونیر، وابسته به وزارت اسپرول لیگونیر-آر سی، کتابی با عنوان «پس‌هزاره‌گرایی نوشته است. اساساً، هر کاری که او انجام داده خوب است. من با هر چیزی که کسی می‌نویسد موافق نیستم

من با هر آنچه کتاب مقدس می‌گوید موافقم، اما نمی‌توانم همه آن را بفهمم. این مشکل من است، اما برای کیت متیسون احترام زیادی قائلم. سم استورمز کتابی در مورد ناهزاره‌گرایی نوشته است

، من با همه این‌ها موافق نیستم. فکر می‌کنم او گاهی اوقات کمی زیاده‌روی می‌کند، اما آه، آنتونی هوکما بفرماید. این کتاب می‌تواند نماینده خوبی برای ناهزاره‌گرایی باشد

. کتاب مقدس و آینده اثر آنتونی هوکما. پس‌هزاره‌گرایی، نوشته کیت متیسون، کتابی با همین عنوان پادشاهی پیروزمند مسیح اثر جک دیویس کتاب خوب دیگری در مورد آموزش پس‌هزاره‌گرایی است

خیلی زود خواهید دید که پاسخ به پنج سوال برای پسا-میلز، پسا-هزاره‌گراها، که به اختصار پسا-میلز می‌نامیم، بسیار شبیه به سوالات آمیل‌ها است، با یک استثنا. ضمناً، پیشا-میل، آمیل، پسا-میل وجود دارد. آیا دیدگاه پان-میل را می‌شناسید؟ من نمی‌دانم جزئیات چیست، اما در نهایت همه چیز مشخص خواهد شد

ببخشید، ببخشید. پس‌هزاره‌گرایی، هزاره، عصر حاضر به تدریج در عصر هزاره ادغام خواهد شد، زیرا بخش فزاینده‌ای از ساکنان جهان از طریق موعظه انجیل به مسیحیت گرویده‌اند. هوکما، ۱۷۵

او یک پسا-آسیایی نیست، اما دیدگاهش را منصفانه ارائه می‌دهد. عصر حاضر به تدریج با عصر هزاره ادغام خواهد شد، زیرا بخش فزاینده‌ای از ساکنان جهان از طریق موعظه انجیل به مسیحیت روی می‌آورند. پسر، ما باید در الهیات منصف باشیم

درست است که در آغاز قرن بیستم، از قرن نوزدهم تا بیستم، بسیاری از پس‌هزاره‌گرایان سکولار وجود داشتند. اما، خدای من، کیت متیسون، جک دیویس، بی بی وارفیلد، جک کالینز پس‌هزاره‌گرایان سکولار نیستند. تأکید می‌کنم که از طریق موعظه انجیل است که جهان مسیحی خواهد شد

. آیا با این موافقم؟ نه. من واقعاً عاشق تأکید آنها بر موعظه انجیل و خوش‌بینی‌شان نسبت به انجیل هستم. یادتان هست که قبل از کتاب «هزارتوی هزاره» نوشته استنلی گرانتز گفتم که ما در تفسیر خود قفل شده‌ایم

. ما هرگز به توافق نخواهیم رسید. این غیرممکن است. امیدوارم بتوانیم روی آن چهار نکته به توافق برسیم

این کتاب مقدس است. من موافقم که ما در مورد این جزئیات دیگر به توافق نخواهیم رسید زیرا الهیات پاسخ‌هایی را ایجاد می‌کنند، و سیستم‌ها در علم، فلسفه و الهیات پاسخ‌هایی را ایجاد می‌کنند. ما پاسخ‌هایی داریم، اما آیا حداقل نمی‌توانیم تفسیر را از الهیات متمایز کنیم؟ و اگر من با تفسیر پس‌هزاره‌ای مکاشفه ۲۰ مخالفم، و با احترام مخالفم، الهیات آنها درست است

مطمئناً، ما نباید نسبت به موعظه انجیل در سراسر جهان بدبین باشیم. ناله‌ها و شکایت‌های مرا ببخشید. این بخشی از مجموعه سخنرانی‌ها است

، حال، توجه کنید که عصر حاضر به تدریج ادغام خواهد شد. پسا هزاره گرایی، برخلاف پیشا هزاره گرایی، نمونه‌ای از تدریجی گرایی است. خمیرمایه انجیل، کل توده را به تدریج مخمر می‌کند.

دانه خردل به تدریج به درخت خردل تبدیل می‌شود. در مقابل، پیشا هزاره گرایی، فاجعه گرایی است. مسیح می‌آید و پادشاهی را می‌آورد.

این فاجعه گرایی نیست. این تدریجی گرایی است. به آرامی، در طول قرن‌ها، انجیل به فرهنگ‌ها راه پیدا می‌کند. و بخش بیشتری از جهان مسیحی می‌شود.

، یک بار دیگر، من این را می‌گویم. این پسا هزاره گرایی انجیلی است، نه سکولار. در اواخر قرن نوزدهم و بیستم، با پیشرفت در علم، حمل و نقل و پزشکی، مردم فکر می‌کردند که هزاره از راه خواهد رسید.

زمانی سرشار از صلح بزرگ، و برکت جهانی، و سلامتی، و رفاه، و رونق اقتصادی. جنگ جهانی اول این را به پایان رساند. بنابراین، پسا هزاره گرایان سکولار به چیز دیگری تبدیل شدند.

معتقدان به کتاب مقدس گفتند، تصویر کلی را در نظر بگیرید. اعداد دو تا پنج همان ناهزاره گرایی هستند. مقید بودن شیطان به این معنی است که او نمی‌تواند اکنون مانند قبل از پنطیکاست، مانع گسترش انجیل شود.

زمان در بازگشت مسیح، آمدن یک ثانیه‌ای، که شامل هم برکت قوم خدا و هم داوری گمشدگان است. آمدن دوم یکپارچه است. یک رستاخیز، یک رستاخیز.

رستاخیز جهانی نجات یافتگان و گمشدگان. ما باید به نمودار نگاه کنیم زیرا یک تفاوت مهم دیگر وجود دارد. و آن این است که مرگ، رستاخیز و عروج مسیح همگی یکسان هستند.

هزاره به آن شکلی که در ناهزاره گرایی تصور می‌شود، یعنی به آن شکلی که سلطنت مقدسین مسیح با او در آسمان است، تصور نمی‌شود. بلکه بیشتر زمینی است. این نفوذ تدریجی فرهنگ و تمدن بشری از طریق گسترش انجیل است.

اما توجه داشته باشید که به طور کلی، پسا هزاره گرایی به یک مصیبت که در سال ۷۰ میلادی به وقوع پیوسته، اعتقاد دارد. من با این موافقم، اما تمایل دارد به یک مصیبت که هنوز اتفاق نیفتاده قبل از بازگشت مسیح اعتقاد نداشته باشد. چرا؟ این با برنامه مسیحی سازی تدریجی جهان مطابقت ندارد.

آیا می‌توان برای این اصل که هر سند مهمی هم از قبل وجود دارد و هم هنوز وجود ندارد، استثنایی قائل شد؟ من استثنایی نمی‌شناسم. این موضوع مشکل پسا هزاره‌ای گرایی را ایجاد می‌کند. من یک بار شنیدم که ورن در مقابل ETS پوپیترس، محقق برجسته عهد جدید و متکلم مدرسه علمیه وست‌مینستر در فیلادلفیا، در افرادی با دیدگاه‌های مختلف در مورد این مسائل سخنرانی می‌کرد.

او آنها را به خنده انداخت. او تأکید کرد که این را به یک شکل بیان نکرده، اما بر چهار حقیقت تأکید کرده و وحدت را به میان آورده است. و او، با زبان طنز، گفت که او عامی و یک کارگر پست است، اگرچه او واقعاً عامی است و آنها این را می‌دانستند.

او گفت من یک آدم بی‌ارزش و غیرقابل اندازه‌گیری هستم. منظورش این بود که پاشنه آشیل پسا هزاره گرایی را این مشکل می‌داند که چطور می‌توان محاسبه کرد چه زمانی درصد مردم جهان به مسیحیت گرویده‌اند و بعد

منتظر بازگشت مسیح بود. و از نظر تاریخی، من از هیچ کس بد نمی گویم، هیچ کس، اما از نظر تاریخی، امید به بازگشت دوباره مسیح، تحت این سیستم، تا حدودی کمرنگ شده است.

اگر آنها بتوانند به نحوی این را با هم ترکیب کنند، مهم است زیرا آنها عبارات مربوط به قریب الوقوع بودن [پیروزی] را کم اهمیت جلوه می دهند، زیرا، احتمالاً، تدریجی بودن تدریجی، راه دوم در راه بودن را در آینده به تعویق می اندازد. و قریب الوقوع بودن [پیروزی] کم اهمیت جلوه داده می شود، اگر نگوئیم از بین می رود. بقیه اش مثل آمیل است.

بنابراین، کارخانه های آسیاب و پست کارخانه ها اشتراکات زیادی دارند. به رادنی استورچ اعتبار بدهید؛ او یک کارخانه دار بود. او یک جلسه مطالعه کتاب مقدس برای مردان تدریس می کرد و مردان گفتند که می خواهند دیدگاه های دیگر را بشنوند.

بنابراین او از جک کالینز، یک پستچی، و مایکل ویلیامز، یک ایمیل از مدرسه علمیه کاوننت، دعوت کرد تا با این مردان ملاقات و صحبت کنند و دیدگاه های خود را ارائه دهند. و بعد از آن، دکتر ویلیامز به من گفت، او گفت، خب، من و جک شبیه هم به نظر می رسیدیم. خب، این یک ارائه مختصر بود، اما بر شباهت های بین پسا-هزاره گرایی و نا-هزاره گرایی تأکید داشت.

سوم، پیشاهزاره گرایی تاریخی. نمایندگان، جورج لاد، محقق مشهور عهد جدید از مدرسه علمیه فولر، به خاطر مشاجره اش با جان والوورد در کتاب هایشان مشهور است. والوورد نماینده تقدیرگرایی از نوع غیرمترقی بود و جورج لاد نماینده پیشاهزاره گرایی تاریخی بود و جرقه هایی وجود داشت.

دایره المعارف پیشگویی کتاب مقدس را نوشت که در آن سعی کرد هر آیه نبوی را توضیح دهد همانطور که ممکن است تصور کنید، این یک هیولای بزرگ بود. من می توانم معاصران را انتخاب کنم. دونالد کارسون و داگ مو، من درک می کنم.

من دیوید چپمن، همکار سابقم در مدرسه علمیه کاوننت، را انتخاب می کنم که واقعاً محقق خوبی است، پیشاهزاره گرایی تاریخی نه در مورد حقایق، بلکه در مورد ویژگی های متمایز، به ویژه در مقایسه با مکاشفه ۲۰ تا ۶، با هم اختلاف نظر دارند و متفاوت هستند. هزاره، سلطنت فعلی مقدسین مسیح با او در بهشت ۱ نیست، که اتفاقاً باید آن را به عنوان حقیقت کتاب مقدس تأیید کنند. بنابراین، ما الهیات را از تفسیر متمایز می کنیم.

پیشا-میل، این تفسیر صحیح مکاشفه ۲۰: ۱ تا ۶ نیست. و این مسیحی شدن تدریجی جهان، آنطور که پسا-میل ها می گویند، از طریق موعظه نیست. این هزاره نیست، اگرچه آنها باید نسبت به انجیل خوشبین باشند و الهیات را از تفسیر متمایز کنند.

نه، نه. هزاره، سلطنت مسیح بر روی زمین به مدت هزار سال پس از آن است. شما می گوید، در این دیدگاه ها، در این ماجرا چه چیزی پس از [پیروزی] [و چه چیزی پیش از [پیروزی] [است؟ این بازگشت مسیح است.

پس از هزاره می آید. در اینجا مسیح پیش از هزاره می آید. در واقع، برخلاف تدریجی گرایی پس از هزاره، پیش از هزاره فاجعه بار است.

مسیح بیاید، ای کبوم، او هزاره را می آورد. این یک معامله تدریجی نیست. این یک معامله معجزه آسا و فوری است.

،سلطنت مسیح بر روی زمین به مدت هزار سال یا مدت بسیار طولانی، نوشته جی. آلبرت باسول جونپور پس از بازگشت او و قبل از وضعیت ابدی. بازگشت مسیح، هزاره زمینی، رستاخیز، آخرین داوری، وضعیت ابدی. برادران پیش از آسیاب ما می گویند که بستن شیطان دقیقاً همان چیزی است که متن می گوید.

محدود کردن آن به این مسیر خاص. این جایی است که در این متن آمده است. این بدان معناست که او قادر به فریب ملت‌ها در هزاره آینده نخواهد بود.

این چیزی است که در مورد آن صحبت می کند. زمان بازگشت مسیح. گوش کنید، در فضای سه آیه، در مورد دو رستاخیز صحبت می کند.

،بله، اما بقیه‌ی کتاب مقدس اینطور نیست. این نمونه‌ای از الهیات کتاب مقدس است که با پیشرفت داستان آشکار می شود و حقیقت بیشتری پیدا می کند. پساً فرقه‌ای‌ها می گویند، بله، خیلی پیشرفت کرده است.

،چه فرقی می کند؟ سه فصل از انتهای کتاب مقدس، جزئیات بیشتری را می آموزیم. رستاخیز جهانی، در واقع دو مرحله و دو جنبه دارد. این غیرمنطقی نیست، و نیست.

قطعاً ممکن است. ببخشید. من سیب و پرتقال را با هم قاطی کرده‌ام.

در پیشاهزاره‌گرایی تاریخی، ظهور دوباره مسیح هنوز وجود دارد، زیرا کلیسا دوران سختی و مصیبت را پشت سر می گذارد. من فقط پیشاهزاره‌گرایی تدبیری را بررسی کردم. عذرخواهی می کنم. مطالعه زیاد باعث می شود در اینجا گیج شوم.

مثل آمیل‌ها و پساً آسیاب‌ها، پیش‌آسیاب‌های تاریخی. ضمناً، زبان‌ش کمی خسته کننده است. این باعث می شود پیشاهزاره‌گرایی تدبیرگرایانه غیرتاریخی باشد.

نمی دانم چه کسی این را تنظیم کرده. من این کار را نکرده‌ام. لحن این حرف‌ها علیه تقدیرگرایان مغرضانه است (dispensationalists).

قبول دارم. این چیزیه که باید روش کار کنیم. ظهور دوباره به اتفاق واحده.

مصیبت، آنطور که تقدیرگرایان معتقدند، اعتقاد ندارند. اوه، اما آنها هنوز به دو رستاخیز اعتقاد دارند، و این همان چیزی است که من گفتم. ببخشید.

مسیح پیش از هزاره می آید. آمدن او همان چیزی است که باعث آن می شود. آمدن دوم، یک رویداد، قوم خود را برکت می دهد و شریان را داوری می کند.

دو رستاخیز. بله، پس خوب صحبت کردم. فقط شماره چهار و پنج را داشتم.

داشتم قاطیشون می کردم. ببخشید. قبل از هزاره به رستاخیز وجود داره.

پس از پایان هزار سال، رستاخیزی رخ خواهد داد. بقیه مردگان تا پایان هزار سال زنده نشدند. بیابید اینجا نموداری ببینیم و ببینیم آیا می توانیم این چیزها را درک کنیم.

مرگ، رستاخیز و عروج مسیح همگی یکسان هستند. هزاره، سلطنت مقدسین مسیح با او در بهشت در حال حاضر نیست، اگرچه این درست است. اما این چیزی نیست که مکاشفه 20 در مورد آن صحبت می کند.

از این دیدگاه، الهیات خوب، تفسیر بد می توانم این را با رویکردی مثبت بگویم. این مسیحی سازی تدریجی جهان از طریق موعظه انجیل در فاصله بین آمدن مسیح نیست.

این حتی درست نیست. بله، ما باید نسبت به انجیل خوشبین باشیم، اما به نظر ما اوضاع بدتر و بدتر خواهد شد. پرمیلز به این بدبینی متهم شده است.

نمی فهمم چرا نمی توانید آن تصویر کلی را همراه با خوش بینی نسبت به انجیل باور کنید. سعی می کنم منصف باشم. مسیح با ایمانداران ملاقات می کند، اول تسالونیکیان ۴، مرده و زنده، و پس از دوره مصیبت به زمین بازمی گردد.

در واقع، پیشاهزاره گرایی سه دیدگاه مربوط به دوران مصیبت دارد. دیسپنسیشنالیسم می گوید مسیح قبل از دوران مصیبت می آید، بنابراین پیشاهزاره گرایی، پیشاهزاره گرایی است. همه اینها پیشاهزاره گرایی هستند.

یا او قبل از دوره مصیبت بزرگ، قبل از دوره عذاب بزرگ، اواسط دوره مصیبت بزرگ، یا بعد از دوره مصیبت بزرگ، قبل از دوره عذاب بزرگ می آید. شاید در سخنرانی بعدی مان، حداقل به طور خلاصه، قطعاً، به این موضوع بپردازیم. پیش از مصیبت بزرگ، پیشاهزاره گرایی به این معنی است که عیسی می آید تا کلیسا را قبل از دوره مصیبت بزرگ از جهان بیرون ببرد، تا کلیسا در دوره مصیبت بزرگ رنج نبرد، و پس از هفت سال مصیبت بزرگ به زمین می آید و هزاره را آغاز می کند.

دوباره فاجعه گرایی. پیشاهزاره گرایی میان دوره ای می گوید که کلیسا قرار است برخی از آن اتفاقات را تجربه کند، اما نه بدترین آنها را. نه، کلیسا از خشم الهی در امان است.

عیسی می آید، آنها را از میان قبیله ها بیرون می کشد، تقریباً سه سال و نیم بعد، برای برپایی هزاره به زمین می آید. پس از مصیبت، که همان پیشاهزاره گرایی تاریخی است، تاریخی است و با آسیاب های پست و آسیاب ها، یکی از مراحل آمدن دوم، مطابقت دارد. مسیح می آید و کلیسا در هوا به استقبال او می رود، درست مانند نمایندگان شهر، از مرز ایالت عبور می کنند تا به استقبال پادشاه بروند و او را به داخل اسکورت می کنند.

نمی گویم که این درست است. می گویم غیرممکن نیست. می تواند با زبان اول تسالونیکیان ۴ مطابقت داشته باشد. برخلاف امیل ها که می گویند هزاره، سلطنت مسیح در آسمان و اکنون با قومش است، و برخلاف پست میل ها که می گویند این یک مسیحی سازی تدریجی از طریق موعظه انجیل است، هزاره یک پادشاهی زمینی در آینده است.

نه به طور خاص یهودی، مانند آنچه در تقدیرگرایی سنتی مطرح است. این مکتب به دو رستاخیز معتقد است. رستاخیز پیش از هزاره، به ویژه رستاخیز یهودیان، زیرا باید بگویم این رستاخیز مربوط به مردگان مؤمنی است که پیش از هزاره مرده اند، نه به طور خاص یهودیان.

بقیه مردگان پس از هزاره، به ویژه مردگان بی ایمان در آن زمان، مؤمنانی که در طول هزاره مردند، نیز در آن زمان زنده می شدند. اما تأکید بر این است که مؤمنان بی ایمان زنده می شوند، درست همانطور که در اینجا آمده است. بقیه مردگان تا پایان هزار سال زنده نشدند.

این رستاخیز، به ویژه رستاخیز مردگان بی‌ایمان، برای داوری خداست. آسمان‌های جدید و زمین جدید مانند سایر دیدگاه‌ها هستند. در سخنرانی بعدی خود، آموزه‌های پیشاهزاره‌گرایی تدبیرگرایانه را خلاصه خواهیم کرد.

بهتر است با بررسی سالم این سه دیدگاه ایمان بیاورید، و بدین ترتیب مطالعه خود را در مورد هزاره به پایان می‌رسانیم.

،این دکتر رابرت ای. پترسون در تدریس خود در مورد آموزه‌های کلیسا و امور آخر است. این جلسه ۱۶، نشانه‌های زمان، نمایش داوری است. مکاشفه ۲۰: ۴-۶، حکومت، بازگشت، رستاخیز، داوری آخر، سرنوشت‌های ابدی، ناهزاره‌گرایی، پساهزاره‌گرایی، پیشاهزاره‌گرایی و دیسپنسیشنالیسم.